



انجمن علمی فقه‌بزرای تطبیقی ایران



فصلنامه فقه‌بزرای تطبیقی

Volume 2, Issue 2, 2022

Jurisprudential-Legal Study of the Government's Responsibility in Prevention of Crimes against Citizens

Amin Rostami¹, Afshin Jafari*², Amir Mohammad Sedighian³

1. Ph.D Student in Public Law, Maybod Branch, Islamic Azad University, Maybod, Iran.

2. Associate Professor, Department of Law, Faculty of Social Sciences, Payame Noor University, Tehran, Iran.
(Corresponding Author)

3. Assistant Professor, Department of Law, Maybod Branch, Islamic Azad University, Maybod, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 75-87

Corresponding Author's Info

ORCID: 0000-0002-4251-5374

TELL: +989171176981

Email: jafari.afshin@pnu.ac.ir

Article history:

Received: 27 Mar 2022

Revised: 19 May 2022

Accepted: 24 May 2022

Published online: 22 Jun 2022

Keywords:

Government,
Responsibility,
Prevention,
Crime, Citizens.

ABSTRACT

Governments have many responsibilities towards citizens. Establishing security and preventing crimes against citizens is one of these important responsibilities. In this paper, an attempt is made to investigate this important issue that what is the approach of jurisprudence and law towards this government's responsibility. The present paper is descriptive and analytical and investigates the mentioned subject using the library method. The results indicate that in jurisprudence, rules such as enjoining what is good and forbidding what is evil, the rule of prohibition of detriment, and the principle of necessity for the implementation of Islamic rules oblige the government to prevent crimes against citizens. In positive law, government, in its general sense, is responsible for prevention, especially social prevention, including situational prevention and growth-oriented prevention. In the constitution and other laws, regulations and duties have been established to meet the material and spiritual needs of people, and enforcing them and providing the basis for the application of the provisions of the law is the responsibility of the government, which is effective in reducing the commission of crimes. Founding of a proper and fair economy according to Islamic principles to create welfare and eradicate poverty play an effective role in preventing crimes against citizens. Multiplicity of laws and unclear mechanism for implementation of government's obligations in the field of prevention are the most important inadequacies in this regard, which needs to be taken into account by the legislative.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2022 The Authors.

How to Cite This Article: Rostami, A; Jafari, A & Sedighian, AM (2022). "Jurisprudential-Legal Study of the Government's Responsibility in Prevention of Crimes against Citizens" . *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 2(2): 75-87.



انجمن علمی فقه‌جزای تطبیقی ایران

فصلنامه فقه‌جزای تطبیقی

www.jccj.ir



فصلنامه فقه‌جزای تطبیقی

دوره دوم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۱

بررسی فقهی حقوقی مسؤلیت دولت در پیش‌گیری از جرم علیه شهروندان

امین رستمی^۱، افشین جعفری^{۲*}، امیر محمد صدیقیان^۳

۱. دانشجوی دکتری حقوق عمومی، واحد میبد، دانشگاه آزاد اسلامی، میبد، ایران.

۲. دانشیار، گروه حقوق، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. (نویسنده مسؤل)

۳. استادیار، گروه حقوق، واحد میبد، دانشگاه آزاد اسلامی، میبد، ایران.

چکیده

دولت در قبال شهروندان دارای مسؤلیت‌های متعددی از جمله برقراری امنیت و پیش‌گیری از جرایم علیه شهروندان است. در این مقاله تلاش شده به بررسی این مهم پرداخته شود که رویکرد فقه و حقوق نسبت به این مسؤلیت دولت چگونه است؟ مقاله حاضر توصیفی تحلیلی بوده و با استفاده از روش کتابخانه‌ای به بررسی موضوع مورد اشاره پرداخته است. نتایج بر این امر دلالت دارد که در فقه، قواعدی چون امر به معروف و نهی از منکر، قاعده لاضرر و اصل ضرورت اجرای احکام اسلامی، دولت را به پیش‌گیری از جرم علیه شهروندان متعهد می‌کند. در حقوق موضوعه نیز دولت به مفهوم عام آن در پیش‌گیری به‌ویژه پیش‌گیری اجتماعی شامل پیش‌گیری وضعی و رشد مدار دارای مسؤلیت است. در قانون اساسی و سایر قوانین عادی برای رفع نیازهای مادی و معنوی افراد مقررات و تکالیفی وضع شده که اجرای آن‌ها و مهیا کردن زمینه برای اعمال مواد قانون به عهده دولت گذارده شده است که مهم‌ترین آنها پی‌ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت و رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه است که نقش تأثیرگذاری در پیش‌گیری از جرم علیه شهروندان دارد. تعدد قوانین، مشخص نبودن سازوکار اجرای تعهدات دولت در زمینه پیش‌گیری از مهم‌ترین نارسایی‌ها در این زمینه است که لازم است مدنظر قانون‌گذار قرار گیرد.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۷۵-۸۷

اطلاعات نویسنده مسؤل

کد آرکید: ۵۳۷۴-۴۲۵۱-۰۲-۰۰۰۰-۰۰۰۰

تلفن: +۹۸۹۱۷۱۱۷۶۹۸۱

ایمیل: jafariafshin@pnu.ac.ir

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۰۷

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۱/۰۲/۲۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۰۳

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۰۴/۰۱

واژگان کلیدی:

دولت، مسؤلیت، پیش‌گیری، جرم، شهروندان.

خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد، تغییر جزئی و کار روی حاضر به صورت غیرتجاری را دارند.



© تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده می‌باشد.

مقدمه

دولت در برابر مردم تعهداتی دارد که باید بدان عمل کند. یکی از وظایف و تعهدات مهم دولت، صیانت از شهروندان در مقابل جرم و جنایت است. شهروندان هر جامعه‌ای در معرض انواع بزه‌دیده‌گی قرار دارند. این جرایم در بسیاری از موارد از سوی طیفی از بزه‌کاران علیه هم‌نوعان خود در جامعه روی می‌دهد. همین امر سبب شده، بشر به رویکرد پیشگیرانه روی آورد (خسروشاهی، ۱۳۹۰: ۷۶). افزایش ضریب امنیتی جامعه و به تبع آن افزایش میزان رضایت مردم از مسؤولین، جلوگیری از اتلاف هزینه‌های بیت‌المال در راه مقابله با جرایم، ایجاد جامعه‌ای سالم که آمادگی پذیرش فعالیت‌های اجتماعی فرهنگی را داشته باشد و خنثی کردن تأثیرات منفی جرایم بر ابعاد اقتصادی، امنیتی، فرهنگی و غیره، مهم‌ترین ضرورت‌های توجه به حوزه پیش‌گیری و مقابله با جرم است. در این مقاله تلاش شده به بررسی فقهی حقوقی مسؤولیت دولت در پیش‌گیری از جرم علیه شهروندان پرداخته شود.

تألیفات متعددی در زمینه پیش‌گیری از جرم انجام شده است: جعفر رشادتی، در کتابی، از پیش‌گیری از جرم در قرآن کریم بحث کرده است (رشادتی، ۱۳۹۰). فائزه عظیم زاده اردبیلی و فهیمه ملک‌زاده نیز به بررسی پیش‌گیری از جرایم درآموزه‌های قرآن پرداخته‌اند (عظیم زاده اردبیلی و ملک‌زاده، ۱۳۹۳). همچنین لیلا آقابالا زاده، در مقاله‌ای، انواع پیش‌گیری از جرایم از منظر قرآن کریم را مورد بررسی قرار داده است (آقابالا زاده، ۱۳۹۷). اما بحث تعهدات دولت در پیش‌گیری از جرم از منظر فقه و حقوق چندان مورد توجه قرار نگرفته و در این مقاله تلاش شده به این موضوع مهم پرداخته شود. سؤال اساسی که در این مقاله مطرح و بررسی می‌شود این است که دولت در پیش‌گیری از جرم علیه شهروندان از منظر فقهی و حقوقی چه مسؤولیتی دارد؟ فرضیه مقاله بدین شکل قابل طرح است که «از نظر فقه و حقوق موضوعه دولت در قبال پیش‌گیری از جرم علیه شهروندان مسؤولیت دارد ولی تحقق چنین مسؤولیتی نیازمند شفافیت بیشتر در امر قانون‌گذاری است». به‌منظور بررسی سؤال و فرضیه مورد اشاره ابتدا به بررسی رویکرد فقه پرداخته شده و در ادامه از

رویکرد حقوق موضوعه در این خصوص بحث شده و در نهایت چالش‌ها و راهکارها مطرح شده است.

۱- حقوق شهروندی و مسؤولیت دولت در پیش‌گیری از جرم

حقوق شهروندی اصطلاحی است که در چند سال گذشته اهمیت فراینده‌ای پیدا کرده است. این حقوق غالباً ناظر بر افراد خاصی بوده که دارای ملیت یک کشور معین‌اند و از آنها تحت عنوان شهروند یاد می‌شود. کلمه شهروند نیز رابطه تنگاتنگی با مقوله تابعیت دارد و دربرگیرنده افرادی است که به‌عنوان تبعه آن کشور و نه صرفاً ساکن در آن زندگی می‌کنند. در واقع شهروندی، نشانه‌ای از شمول یک جامعه سیاسی و یا تعلق به آن و بیانگر تعامل افراد جامعه با دولت و حاکمیت است (امامی، ۱۳۸۷: ۵). پیش‌گیری به معنای جلوگیری و دفع و گاهی پیش‌دستی آمده است و در اصطلاح، استفاده از راهکارهای متعدد برای ممانعت از وقوع بزه‌کاری است (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۸: ۱۳۵) اما در تحولات سده اخیر که در جرم‌شناسی علمی پدید آمده، مفهوم پیش‌گیری تغییر کرده است. از نظر علمی می‌توان گفت مراد از پیش‌گیری هر اقدام سیاست جنایی با هدف تحدید امکان پیشامد جنایی از راه‌های گوناگون است، خصوصاً بدون تکیه بر تهدید کیفر یا اجرای آن. بنابراین در دو مفهوم عام و خاص می‌توان پیش‌گیری را معنا کرد؛ یک نوع پیش‌گیری با استفاده از سلاح کیفر و نوع دیگر با استفاده از ابزارهای غیرقهری و البته با مشارکت عموم مردم و مداخله نهادهای مدنی و بدین ترتیب توسعه ابزارهایی که مشابه ابزارهای بازدارنده عمل می‌کنند (اردبیلی و همکاران، ۱۳۸۳: ۲۱). رابطه حقوق شهروندی و مسؤولیت دولت در پیش‌گیری از جرم را باید در اصول مهمی چون اصل کرامت ذاتی انسان جستجو کرد. اولین و مهم‌ترین نکته در ارتباط با شهروند این است که او یک انسان است و این انسان به‌عنوان شاهکار خلقت در دیدگاه اسلامی و قرآنی موجودی است که خداوند به او کرامت بخشیده است. این کرامت یک اعتباری نظیر آنچه در روابط میان آدمیان مطرح است، نیست. این یک کرامت مبنایی و واقعی است که در واقع، تابع و انعکاسی از کرامت خداوند متعال است (طباطبایی، ۱۳۸۵: ۲۹) بنابراین، انسان به طور حقیقی موجودی است که دارای امتیاز و

فقه در خصوص مسؤلیت دولت در پیش‌گیری از جرم علیه شهروندان در قالب پیش‌گیری کیفری و غیرکیفری بررسی می‌شود.

۲-۱- رویکرد فقه در خصوص مسؤلیت دولت در پیش‌گیری کیفری از جرم

در این قسمت به وظیفه دولت در اجرای احکام الهی و قاعده لاضرر به‌عنوان دو مؤلفه مهم که از منظر فقهی، تأثیر مهمی در تحقق پیش‌گیری کیفری از جرم علیه شهروندان دارد پرداخته می‌شود.

۲-۱-۱- اجرای احکام الهی

از منظر فقهی دولت مسؤول اجرای احکام الهی است. اجرای احکام فی نفسه جنبه اصلاحی و بازدارندگی داشته و لذا در تحقق پیش‌گیری کیفری تأثیرگذار است. در قرآن مجید در آیات مختلفی ضمن اینکه در خصوص فلسفه تشریح احکامی چون قصاص به‌ضرورت وجود این مجازات برای صیانت از حیات اجتماعی و نیز ممانعت از ارتکاب و تکرار جرم و اجرای عدالت الهی اشاره می‌نماید، تأکید می‌دارد که بر اساس آن امکان انتقام‌جویی‌های شخصی از میان می‌رود و انسان‌ها در زندگی اجتماعی خود در آسایش خواهند بود (بقره/۱۷۹). همچنین خداوند در مقام بیان فلسفه اجرای دستورات الهی از جمله روزه و نماز آن‌ها موجب پیش‌گیری از گناه و جرم می‌داند (حج/۳۹؛ عنکبوت/۴۵). همچنین در مورد فلسفه اجرای حدود اشاره به جنبه بازدارندگی فردی و اجتماعی این مجازات و جلوگیری از تکرار جرم می‌نماید (اسراء/۳۲). ملاحظه می‌شود که علت تأسیس مجازات‌ها در اسلام پیش‌گیری از وقوع جرم و بزه‌کاری و اصلاح افراد بزه‌کار بر اساس امر به معروف و نهی از منکر و علت اجرای آن نیز حفاظت از جامعه در مقابل کژی‌ها و ممانعت از ارتکاب بزه و تأدیب و اصلاح بزه‌کار و النهایه اجرای عدالت کیفری دانسته شده است. چنانکه خداوند امر به معروف و نهی از منکر را مانعی بر فراگیری فساد بر زمین دانسته است (بقره/۲۵۱). در واقع، اسلام در تدوین و اجرای کیفرها هم به‌فایده‌ی اجتماعی و هم به اصلاح و تربیت مجرمین و بزه‌کاران نظر داشته است (ولیدی، ۱۳۷۸: ۲۳۲-۲۳۵). از دیدگاه فقهی در پیش‌گیری از

برجستگی است. انسان دارای مقام والا و برترین مخلوق خداوند است. این کرامت واقعی و ذاتی پایه و مبنای تعالیم اخلاقی و حقوقی است و باید مدنظر قرار گیرد. بر این اساس، شهروندان افراد مطیع و محکومان حکومت که به‌عنوان ابزار ادامه مطامع شخصی و گروهی حاکمان مورد استفاده قرار گیرند، نمی‌باشند. از طرفی حکومت اسلامی برای خدمت به مردم در جامعه اسلامی موجودیت می‌یابد و حاکمان، خدمتگزاران شهروندان محسوب می‌شوند. جایگاه و مقام حکومتی فقط به‌عنوان تکلیف خدمت به افراد جامعه است، نه یک امتیاز برای رسیدن به مطامع شخصی. به همین جهت، اساساً حکومت دینی و اسلامی حق تحمیل قدرت خود بر مردم را ندارد. شأن حکومت اسلامی شأن خدمت‌رسانی است و عدول از این اصل، مشروعیت دولت اسلامی را خدشه‌دار می‌نماید. یکی از مهم‌ترین نتایج این اصل این است که شهروندان جامعه اسلامی از حقوق ویژه خود برخوردارند، تا از تعرضات احتمالی و جرایم در امان بمانند.

۲- رویکرد فقه نسبت به مسؤلیت دولت در پیش‌گیری از جرم

جرم

پیش‌گیری عبارت است از اشکال مختلف کنترل جرم (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۴: ۱۲) باهدف کاستن نرخ بزه‌کاری در جامعه و نیز تدابیری که مانع وقوع بزه و فعلیت یافتن اندیشه‌های مجرمانه می‌شود و با علل و ریشه جرم مبارزه می‌نماید (رشاد، ۱۳۸۰: ۲۸۵/۵). پیش‌گیری در یک تقسیم‌بندی به دو دسته مهم کیفری و غیرکیفری تقسیم می‌شود. «پیش‌گیری کیفری با تهدید کیفری تابان حقوق کیفری از یک‌سو، و به اجرا گذاشتن این تهدید از طریق مجازات کسانی که ممنوعیت‌های کیفری را نقض کرده‌اند از سوی دیگر، در مقام پیش‌گیری عام و پیش‌گیری خاص از جرم است» (ابراهیمی، ۱۳۹۱: ۱۷/۱). پیش‌گیری اجتماعی در این مفهوم عبارت است از مجموعه اقدامات کنشی و غیرکیفری که پیش از ارتکاب جرم صورت می‌پذیرد و نقطه‌ی آغازین آن مربوط می‌شود به تربیت و آموزش فرد در محیط خانواده و در مدرسه و سپس این روند ادامه می‌یابد تا سطح جامعه (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۶: ۴۶). پیش‌گیری اجتماعی خود شامل پیش‌گیری رشد مدار و وضعی است. با تعریف مجمل پیش‌گیری و انواع آن، در این محث رویکرد

به حال انسان ضرر دارد (بجنوردی، ۱۳۷۷: ۲۲۱/۱). ارتباط قاعده لاضرر با پیش‌گیری در این است که نباید به واسطه ارتکاب جرم و گناه و... کسی به دیگری ضرر بزند. بدیهی است که ارتکاب گناه و جرم علاوه بر آن که نورانیت چهره و سلامت فطری را محو می‌کند، عقوبت‌های بسیاری در این جهان و در سرای دیگر برای مجرم و گناه‌کار به ارمغان می‌آورد و به حقوق دیگران نیز تعدی نموده و عقوبت ناشی از آن را هم باید ببیند (انصاری، ۱۴۱۴: ۱۲۲). به مقتضای این قاعده انسان مجاز نیست برای دفع ضرر از خود به دیگری ضرر برساند و نیز جایز نیست برای دفع ضرر از دیگری نیز به خود ضرر وارد سازد. دولت و حکومت اسلامی بر اساس قاعده لاضرر و لاضرار متعهد است مانع از تحقق جرم علیه شهروندان شود.

در مکتب اسلام، قانون بر محور تحقق مصالح و تجنب از مفسد دور می‌زند. مصالح و مفسد محدود به موارد و ساحت‌های معدود نمی‌شود و همه موضوعات و زمینه‌ها را در برمی‌گیرد. اسلام همان‌گونه که برای نیازهای مادی- جسمانی و روانی- و دنیوی انسان‌ها برنامه می‌دهد و از ریزترین امور بهداشتی تا کلان‌ترین امور اقتصادی و سیاسی دستورالعمل دارد، مصالح معنوی و اخروی آن‌ها را مدنظر دارد. از آنجاکه هدف از قانون‌گذاری رشد و به کمال رساندن همه‌جانبه‌ی انسان‌ها است، لذا در تمامی زوایای مربوط به زندگی انسان قانون دارد؛ مقررات و توصیه‌های بهداشتی، اجتماعی، اخلاقی، عبادی، اقتصادی، سیاسی، نظامی و... در سراسر متون دینی موج می‌زند و فضای زندگی مسلمانان را تحت پوشش کامل قرار می‌دهد. در یک تقسیم‌بندی کلی قوانین اسلامی به دو دسته شخصی و عمومی منقسم می‌شود. پیروی از قوانین شخصی به خود فرد مربوط است که خود در حوزه‌های مختلف و تحت عناوین مختلف-واجب، مستحب، مکروه و حرام- قرار می‌گیرد، و حکومت یا هیچ فردی حق دخالت ندارد. اما قوانین عمومی و اجتماعی موضوعاتی را شامل می‌شود که سود یا ضرر افراد دیگر را نیز در برمی‌گیرد (موسوی خمینی، ۱۳۸۱: ۳/۱). مثلاً کسی که با پرتاب سنگ شیشه ماشین دیگری را می‌شکند و یا با روزه‌خواری مقدسات دینی را هتک حرمت می‌کند، نمی‌تواند

وقوع جرم اصل عدم دخالت مصلحت‌اندیشی حاکمیت دارد، چنانکه حضرت امیر (ع) در این خصوص می‌فرماید: «مردم برای اصلاح دنیا چیزی از دین را ترک نمی‌گویند جز آنکه خداوند آنان را به چیزی زیان‌بارتر دچار خواهد ساخت» (دشتی، ۱۳۹۰: ۴۶۳). در پیش‌گیری از بزه‌کاری بایستی به این اصل مهم توجه نمود که کرامت انسانی همواره مورد احترام قرار گیرد. زیرا تمامی انسان‌ها به لحاظ ذاتی و بهره‌مندی از نفخه الهی، یکسان از این کرامت و شرافت فطری برخوردار می‌باشند (رحیمی نژاد، ۱۳۸۷: ۴۹). و لذا وجود این حیثیت ذاتی برای انسان بدون امکان بهره‌مندی و تمتع از این حق قابل‌تصور نمی‌باشد. حقوق ناشی از حق کرامت و شرافت فطری انسان‌ها از قبیل حق حیات، حق آزادی بیان و اندیشه و از این قبیل برای حاکمیت این تکلیف را ایجاد می‌نماید که این حقوق ذاتی را پاس بدارد.

مسئولیت نه به معنای سروری و حق اولویت در برخورداری، بلکه وظیفه‌ای برای خدمت‌رسانی و پاسخگویی است و کارکنان حکومتی در هر مقامی باید مردم را ولی‌نعمتان خود بدانند: «مردم در کارهای تو چنان می‌نگرند که تو در کارهای حاکمان پیش از خود می‌نگری... و همانا نیکوکاران را به نام نیکی توان شناخت که خدا از آنان بر زبان بندگانش جاری ساخته است... مهربانی با مردم را پوشش دل خویش قرار ده و با همه دوست و مهربان باش. مبدا هرگز چون حیوان شکاری باشی که خوردن آنان را غنیمت دانی؛ زیرا مردم دودسته‌اند: دسته‌ای برادر دینی تو و دسته‌ی دیگر همانند تو در آفرینش [همنوع] می‌باشند... به مردم نگو به من فرمان دادند و من نیز فرمان می‌دهم، پس باید اطاعت شود» (دشتی، ۱۳۹۰: ۵۳). وظیفه انبیاء و نیز حکومت اسلامی احیای شخصیت مردم و کرامت انسانی آن‌ها است و لذا هر تصمیم و اقدامی که باعث شود شخصیت و شعور آنان پایمال شود، ممنوع و محکوم است.

۲-۱-۲- قاعده لاضرر و لاضرار

قاعده لاضرر از قواعد معروف فقهی است که در بسیاری از ابواب فقه کاربرد دارد. مضمون قاعده عبارت است از هرگونه ضرر و ضرار در اسلام نفی شده است. مطابق تفسیر ذکر شده، ضرر زدن هر کس به دیگری ممنوع شمرده شده است (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۱۱). مراد از ضرر، هر چیزی است که

حساس‌اند و اقدام چنین فردی را موجب به مخاطره انداختن حیات خود می‌دانند پس نباید در مقابل عمل او سکوت کنند.

در وصیت‌نامه امیرالمؤمنین (ع) آمده است: «امربه معروف و نهی از منکر را ترک نکنید که اگر ترک کردید، انسان‌های شرور بر شما حاکم خواهند شد و هر چه دعا کنید برای دفع آن‌ها مستجاب نخواهد شد» (فیض الاسلام، ۱۳۶۵: ۴۷). اسلام، دینی اجتماعی است و همه مردم برای اجرای برنامه‌های این دین الهی و آسمانی، مسؤلیت مشترکی دارند و همه وظیفه دارند پاسدار فضایل و نیکی‌ها و دشمن بدی‌ها و ناراستی‌ها باشند. پیامبر گرامی اسلام (ص) فرمود: «همه شما مسؤلیت دارید و همگی درباره کسانی که زیر سلطه شما هستند، مورد سؤال قرار خواهید گرفت» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۸/۷۲). این فرمایش رسول مکرّم اسلام، ناظر به مسؤلیت همگانی در جامعه است.

حضرت امام (ره) می‌فرماید: «وَجُوبَ امر به معروف و نهی از منکر در اسلام، مانند وجوب نماز، روزه و زکات، از ضروریات دین است و کسی که از روی توجه به لوازم آن، وجوب آن را انکار کند، از کافران محسوب می‌شود» (موسوی خمینی، ۱۳۹۰: ۲۴۲/۱). «امربه معروف و نهی از منکر دو فریضه‌ای هستند که از سوی خداوند عزوجل واجب گردیده‌اند تا در صورت امکان انجام گیرند و بر بنده واجب است که با قلب و زبان و دستش از منکر جلوگیری نموده و اگر با دست نتوانست با قلب و زبانش جلوگیری نماید و اگر با زبان هم نتوانست، با قلبش از منکر اعلام انزجار کند» (مروراید، ۱۴۱۰: ۱۰/۹).

در قرآن کریم و نیز در احادیث معصومین (ع) در باب اهمیت و عظمت این دو فریضه سخن بسیار آمده است. در قرآن می‌خوانیم: «و باید از شما امتی [باشند که مردم را به سوی کارهای نیک فراخوانند؛ امر به معروف کنند و از بدی‌ها و زشتی‌ها بازدارند؛ چنین امتی رستگار است» (آل عمران/۱۰۴). بدیهی است که مواظبت مردم بر اعمال و رفتار یکدیگر سبب می‌شود که انسان در گفتار و کردار خود بیشتر دقت کند. عظمت این دو فریضه تا آنجا است که امام علی (ع) می‌فرماید: «و هیچ‌یک از اعمال نیک و جهاد در راه خدا در مقایسه با امر به معروف و نهی از منکر، جز آب دهانی در برابر دریای عمیق و ژرف نیست» (فیض الاسلام، ۱۳۶۵: ۳۷۴). در چنین جامعه‌ای که امر به معروف و نهی از منکر و در نتیجه

مدعی شود که من کار خودم را می‌کنم و کاری با دیگران ندارم. قوانین حقوقی، حدود و ملاک‌هایی را تعیین می‌کند که افراد انتظار رعایت و محترم شمردن آن‌ها را از دیگران دارند و در صورت تجاوز آن‌ها به این محدوده امن می‌توانند از طرق قضایی و کیفری اقدام کنند. برخی از این تخلفات حقوقی، شاکه خصوصی دارد مثل قتل نفس و برخی شاکه عمومی و مدعی‌العموم دارد مثل تخلس و خیانت به بیت‌المال. حکومت اسلامی چنانکه ضامن دفاع از حقوق افراد، گروه‌ها و عموم مسلمین است که تحقق این مسؤلیت از طریق تدوین سازوکارهای پیش‌گیرانه امکان‌پذیر است.

۲-۲- رویکرد فقه در خصوص مسؤلیت دولت در پیش‌گیری غیرکیفری از جرم

از منظر فقهی، دولت در پیش‌گیری غیرکیفری از جرم علیه شهروندان نیز دارای تعهداتی است که در این قسمت بررسی می‌شود. از اهداف نظام اجتماعی اسلام، فراهم نمودن زمینه‌های رشد و تعالی معنوی آحاد جامعه است و این هدف، بدون مهیا شدن شرایط مناسب و جو مساعد تأمین نمی‌شود؛ قانون‌گذار به همین منظور تدابیری اندیشیده است. یکی از این تدابیر تکیه و تأکید بر ترویج فضائل و نیکی‌ها و جلوگیری از نشر و گسترش رذایل و بدی‌ها در جامعه اسلامی است. همچنان که مردم در نظام اسلامی در بهره‌مندی از فضای سالم رشد و تعالی معنوی صاحب حق هستند به همین میزان نیز برای ایجاد این فضا و جلوگیری از آلوده و بیمار شدن آن نیز مسؤول و مکلف هستند. در نظام سیاسی - اجتماعی اسلام هر فردی همان‌گونه که مسؤول اعمال و رفتار خویش است نسبت به اعمال و رفتار دیگران نیز مسؤول و مکلف است. افراد چنین جامعه همانند سرنشینان یک کشتی هستند؛ همان‌طور که سرنشینان یک کشتی نسبت به یکدیگر مسؤولیت دارند، افراد جامعه اسلامی نیز نسبت به هم و نسبت به سرنوشت خویشان با آن جامعه مکلف هستند. هیچ‌یک از سرنشینان کشتی نمی‌تواند جای خود را سوراخ کند و بگوید من فقط جای خود را سوراخ می‌کنم و به کسی کاری ندارم؛ چراکه این استدلال هرگز پذیرفتنی نیست. بی‌تردید همه سرنشینان کشتی نسبت به سرنوشت خود

قالب یک نظریه توانمند و در بطن مدل تنبیهی و در چارچوب کارکرد فایده‌گرا، تکوین یافته و با نگرستن به افق‌های پیش‌رو اعمال مجازات را نه با هدف جبران گذشته‌ای تاریک و انتقام از جرم، آنچنان که در رویکرد سزادهی مطرح است بلکه با هدف ساختن آینده‌ای روشن می‌انگارد، بدین سان سیاست اصلی دیدگاه بازدارندگی که به دو شکل خاص و عام است، تهدید به مجازات کیفری یا اجرای آن برای کاهش انگیزه جرم است و در کنار آن مجازات‌ها سعی در بهبود وضع اجتماعی و اخلاقی بزه‌کار و تلاش در جهت بازسازگار کردن وی دارند.

مجازات باید کمک کند تا جرمی که به وقوع پیوسته، دیگر بار توسط خود مجرم و دیگر شهروندان تکرار نشود و همین مفهوم بازدارندگی عمومی است که محصول پیش‌گیری کیفری از تکرار جرم را با خود به ارمغان می‌آورد.

۳-۲- رویکرد حقوقی نسبت به مسؤولیت دولت در پیش‌گیری غیرکیفری از جرم

در این مبحث از رویکرد حقوق موضوعه نسبت مسؤولیت دولت در پیش‌گیری غیرکیفری از جرم بحث می‌شود.

۳-۲-۱- آموزش و پرورش

اشاره شد یکی از انواع پیش‌گیری غیرکیفری و اجتماعی، پیش‌گیری رشد مدار است. در فرآیند پیش‌گیری رشد مدار نقش محیط آموزشی و مدرسه در پیش‌گیری از جرایمی که یک کودک و نوجوان ممکن است در آینده مرتکب گردد همواره مورد توجه قرار داشته است. مطابق ماده ۱ قانون تأسیس آموزش و پرورش، یکی از وظایف مهم وزارت آموزش و پرورش «رساندن کودکان از لحاظ شکوفایی استعداد و توانایی‌ها به حدی است که به‌عنوان یک فرد مؤثر بتوانند در جامعه ایفای نقش کنند». بر این اساس وظیفه آموزش، تعلیم و تربیت، به‌عنوان وظیفه اصلی آموزش و پرورش تعریف شده است. کودکان و نوجوانان درصد قابل‌ملاحظه‌ای از جامعه آماری ایران را تشکیل می‌دهند و سن ارتکاب جرم در جرایم گوناگون در حال کاهش است، به‌گونه‌ای که سن مرتکبان برخی از جرایم متأسفانه به ۱۳ سال رسیده و کمیت آن نیز رو به گسترش است. با بررسی‌های به‌عمل‌آمده مشخص شده

سرنوشت افراد تا به این اندازه باهم در ارتباط مستقیم است. به همین خاطر هیچ‌کدام از افراد به دیگری اجازه نمی‌دهد با انجام کارهای خلاف، بدی‌ها و زشتی‌ها در جامعه گسترش یابد و حیات فکری و معنوی جامعه به مخاطره افتد.

مینای امر به معروف و نهی از منکر، بیش از هر چیز دیگر در اسلام، بر اساس انگیزه محبت‌آمیز و عشق و علاقه ایمانی است که افراد جامعه اسلامی نسبت به یکدیگر دارند و به همین لحاظ نمی‌توانند در مقابل کوچک‌ترین لغزش و انحراف یکدیگر، بی‌تفاوت باشند (مطهری، ۱۳۷۶: ۲۷). با این توصیف، مشخصه دیگر این آموزه، یعنی دلسوزانه، مشفقانه و از سر اخلاص بودن امر و نهی رخ نماید، و چنین امر و نهی است که قطعاً مؤثر می‌افتد. وظیفه دولت تحقق چنین بستری است. بزه‌کاری همواره به نظم عمومی صدمه وارد می‌نماید و سیاست‌های مهار بزه‌کاری در هر جامعه‌ای، بخش مهمی از سیاست‌گذاری‌های کلان کشور را تشکیل می‌دهد. با توجه به اینکه ارتکاب جرم همه بخش‌های جامعه را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد، مسلماً همه نهادهای حکومتی باید در امر مهار مشارکت داشته باشند. پیش‌گیری در مرحله پیش از ارتکاب جرم به معنای مداخله زودهنگام جهت جلوگیری از به فعلیت رسیدن قصد مجرمانه، که پیش‌گیری غیر کیفری و خارج از تشکیلات قضایی است، اهمیت فراوان دارد و ترویج امر به معروف و نهی از منکر به‌عنوان یکی از وظایف و تعهدات دولت نقش مهمی در این راستا ایفا می‌کند.

۳-۲-۳- رویکرد حقوقی نسبت به مسؤولیت دولت در پیش‌گیری از جرم علیه شهروندان

در این قسمت به رویکرد حقوق موضوعه نسبت مسؤولیت دولت در پیش‌گیری از جرم علیه شهروندان پرداخته می‌شود.

۳-۲-۱- رویکرد حقوقی نسبت به مسؤولیت دولت در پیش‌گیری کیفری از جرم

مهمترین مسؤولیت دولت در زمینه پیش‌گیری کیفری از جرم علیه شهروندان که البته بر عهده قوه قضائیه است، اجرای مجازات‌ها است. اجرای مجازات‌ها جنبه بازدارندگی داشته و باعث پیش‌گیری از جرم می‌شود (غلامی، ۱۳۸۲: ۱۲۲). بازدارندگی یکی از اهداف مجازات است که از دیرباز و در

گیرد. بر این اساس گروه همسالان نقش ویژه‌ای در الگوپذیری کودکان و نوجوانان دارند و به لحاظ وجود ارتباطات عاطفی میان آنان، تأثیری به مراتب بیشتر از والدین و معلمین خواهند داشت (مهدوی، ۱۳۹۱: ۹۹). لذا شایسته است متولیان آموزش و پرورش با اعمال نوعی برنامه روان‌شناختی- اجتماعی زودرس، کودکانی را که در معرض عوامل خطر می‌باشند و احتمال پذیرش و تقلید رفتار مجرمانه در آینده از سوی آنان می‌رود تحت کنترل و حمایت خود قرار دهند تا با این نظارت به کاهش احتمال انجام بزه از سوی ایشان کمک نمایند (کاری‌یو، ۱۳۸۱: ۲۶۸ و ۲۶۷). بدین معنا که با طراحی برنامه‌های فراگیر در جهت مشارکت گروه همسالان در فعالیت‌های فوق‌برنامه و دخالت مستقیم کودکان و نوجوانان در برنامه‌های مربوط به خودشان از قبیل میانجیگری و اصلاح امور مدرسه خود و با تقویت حس مسؤلیت‌پذیری آن‌ها نسبت به یکدیگر و هدایت و حمایت از آنان در این مسیر، عملاً زمینه تقویت حس استقلال و پرورش استعداد‌های نهان آنان را فراهم نمایند تا بدین ترتیب انحرافات احتمالی شناسایی و در جهت رفع آن و پیش‌گیری از پیامدهای ناگوار آینده اقدام مناسب صورت پذیرد.

۳-۲-۲- آگاهی بخشی و اطلاع رسانی

یکی دیگر از نهادهایی که در پیش‌گیری از جرم علیه شهروندان دارای مسؤلیت است، سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران است. در عصر حاضر که به عصر ارتباطات و اطلاعات معروف است، مهم‌ترین ابزار فعالیت‌های فرهنگی، رسانه‌های جمعی است که نقش آن‌ها در پیش‌گیری از جرم مورد توجه جرم‌شناسان، حقوق‌دانان، جامعه‌شناسان و متولیان امر سیاست جنایی قرار گرفته است. جرم‌شناسان، وسایل ارتباط جمعی را در ذیل عوامل اجتماعی یا محیط انتخابی یا اتفاقی جرم بررسی کرده، بر نقش‌های دوگانه آن در وقوع جرم یا پیش‌گیری از آن تأکید دارند و معتقدند این ابزار در پرورش یا انحراف افکار عمومی نقش مهمی را ایفا می‌کند و بهترین وسیله برای روشن شدن اذهان و تنویر افکار عمومی و عقاید هستند. رسانه‌های جمعی از یک طرف (بسته به نحوه انعکاس حوادث و اخبار) توانایی تشدید احساس ناامنی، ترویج بزه‌کاری و تشویق افراد مستعد

است که برخی از دانش‌آموزان بزه‌کار در حال تحصیل هستند و برخی نیز از آنان از مدارس اخراج شده‌اند. در این میان به موازات نهادهای گوناگون، وزارت آموزش و پرورش نیز نقش ویژه‌ای در پیش‌گیری از بزه‌کاری دانش‌آموزان، اعم از پیش‌گیری وضعی و اجتماعی بر عهده دارد (رجبی پور، ۱۳۸۸: ۱۲۸). آموزش و پرورش یکی از مهمترین و اصلی‌ترین نهادهای فرهنگی در جامعه بوده و با اصلاح الگوهای فرهنگی می‌تواند نقش مهمی در کاهش جرایم ایفا نماید. همچنین در طی تحصیل در مدرسه متولیان آموزش و پرورش با برنامه‌ریزی مناسب و همکاری صحیح با پلیس و دستگاه قضایی می‌توانند مبادرت به برگزاری نشست‌های علمی و تخصصی و اردوهای آموزشی نمایند که در آن نسبت به آشنایی کودکان و نوجوانان با مقوله‌ی بزه‌کاری و توجه دادن آن‌ها به مخاطرات موجود در جامعه و زندگی اجتماعی و راه‌هایی پیش‌گیری از بزه‌کاری به آن‌ها، توانمندی دوری از آسیب‌های اجتماعی آموزش داده شود. چه نیکو خواهد بود که در تمامی این برنامه‌های علمی خانواده‌ها نیز در کنار فرزندان خود حضور داشته باشند تا تعاملی سه‌جانبه میان کودک، مدرسه و والدین آن‌ها برقرار شود و با مشارکت هر سه طرف در برنامه‌های تربیتی و آموزشی، زمینه ایجاد جامعه‌ای سالم‌تر مهیا گردد. به نظر می‌رسد عدم حضور و مشارکت والدین در برنامه‌های آموزشی و تربیتی که از سوی مدارس تهیه و اجرا می‌گردد نتیجه مناسبی برای فرزندان در پی نداشته باشد و به تعبیر یکی از جامعه‌شناسان شایسته است که آموزش و پرورش حضور والدین در این قبیل جلسات را اجباری و الزامی نماید.

در جریان برگزاری کارگاه‌ها و اردوهای آموزشی توجه به این مهم ضروری است که چون کودکان و نوجوانان به لحاظ احساس برابری و مشابهت، جذب گروه همسالان خود می‌شوند و رفتارهای شایسته، نادرست و یا حتی ارتکاب جرم را به‌سادگی از آن‌ها می‌آموزند لذا بر اساس نظریه ساترلند جامعه‌شناس آمریکایی تحت عنوان معاشرت‌های افتراقی، با استفاده از فنون خنثی‌سازی مبادرت به توجیه اعمال خود می‌نمایند (الله‌وردی و فرجی‌ها، ۱۳۹۵: ۶۳). از این رو فضای این اردوها می‌بایست به‌شدت تحت کنترل و نظارت قرار

مناسب در جهت پیش‌گیری از جرم و بزه‌کاری در جامعه فراهم گردد. یکی از عواملی که نقش مهمی در تقلیل میزان جرایم دارد، بهبود وضع اقتصادی است. توقع اولیه و اساسی از وزارت اقتصاد عبارت است از اتخاذ سیاست‌هایی که موجب بهبود وضع مردم و حذف یا کاهش تورم گردد و از افزایش بی‌رویه و نامتناسب قیمت‌ها جلوگیری به عمل آورد. یعنی رشد قیمت کالا و خدمات متناسب با درآمد مردم باشد. در غیر این صورت بازداشتن مردم از روی آوردن به جرایم و تخلفات مالی به صورت شعار درآمده و اثری نخواهد داشت. سازمان‌ها و نهادهای وابسته به وزارت موصوف نیز عملکرد چشمگیری در روند اقتصادی کشور ایفاء می‌کنند.

۴- چالش‌ها و راهکارها

در این قسمت ابتدا چالش‌ها و در ادامه راهکارها ارائه می‌شود.

۴-۱- چالش‌ها

مشخص نبودن وظایف دقیق نهادها در پیش‌گیری از جرم یکی از مهمترین چالش‌های مسؤولیت و تعهدات دولت در پیش‌گیری از جرایم علیه شهروندان است. یکی از مهمترین چالش‌ها در این خصوص کلی بودن قوانین و فقدان سازوکارهای مشخص در خصوص تعهدات دولت در پیش‌گیری از جرم است. به عنوان مثال در متن «راهکارهای اجرایی حوزه‌های بخشی قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب (۱۳۷۹)» در جهت پیش‌گیری از اعتیاد به پشتیبانی، در متن «آیین‌نامه سامان‌دهی کودکان خیابانی (۱۳۸۴)»، قانون‌گذار سازمان‌های متعددی را مسؤول رسیدگی به حل مشکلات و حمایت از کودکان خیابانی نموده است که عمدتاً جنبه حمایتی و پیشگیرانه دارد اما در نهایت مشخص نیست که ضمانت اجرای قوانین حمایتی و پیشگیرانه چیست. به عنوان مثال مطابق ماده ۴ آیین‌نامه سامان‌دهی کودکان خیابانی «در صورت تحویل کودک خیابانی به خانواده، بهزیستی استان‌ها و سایر نهادهای حامی موظفند در زمینه حمایت مادی و معنوی خانواده اقدامات لازم را به عمل آورند و هر شش ماه یکبار گزارش اقدامات خود را به سازمان بهزیستی کشور و کارگروه اجتماعی

به ارتکاب جرم را دارند و از سوی دیگر با ایفای نقش اطلاع‌رسانی و ترویج الگوهای زندگی سالم، می‌توانند در کاهش وقوع جرم و افزایش احساس امنیت مؤثر باشند. قانون اساسی، دولت را موظف کرده برای رسیدن به اهداف والای انسانی و اسلامی از رسانه‌های گروهی به صورت مطلوب استفاده کند. در بند ۲ اصل ۳ قانون اساسی نیز برای بالا بردن سطح آگاهی‌های عمومی در همه زمینه‌ها با استفاده صحیح از مطبوعات و رسانه‌های گروهی به ویژه صدا و سیما تأکید شده است. ماده ۴۴ قانون خطامشی، اصول و برنامه‌های صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۱/۶/۱۷ هم یکی از رسالت‌های صدا و سیما را آموزش عمومی جهت آشنایی مردم با حقوق فردی، اجتماعی، قانون اساسی و قوانین کیفری و مدنی کشور اعلام کرده است. همچنین در برنامه پنجم توسعه، به وظایف صدا و سیما و شهرداری‌ها در جهت همکاری با قوه قضاییه در راستای پیش‌گیری از جرایم تأکید شده است.

۳-۲-۳- رفع بسترهای اقتصادی جرم

در مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به موضوع اقتصاد توجه ویژه گردیده و ضمن تأکید بر اینکه اقتصاد وسیله است نه هدف، وجود آن را برای رفع نیازهای انسانی در مسیر رشد و تکامل لازم و ضروری دانسته است. همچنین در اصل ۴۴ قانون اساسی بر ضرورت ریشه‌کن نمودن فقر و محرومیت از جامعه با توسل به یک اقتصاد صحیح و اصولی تأکید گردیده و وظیفه دولت را در تأمین نیازهای اساسی مردم جامعه از قبیل مسکن، خوراک و پوشاک و تأمین امکان اشتغال برای همگان مورد توجه قرار داده است. بدین جهت دولت می‌بایست برای برون‌رفت از فقر و بیکاری که ریشه اصلی بسیاری از ناهنجاری‌های اجتماعی می‌باشد، با برنامه‌ریزی‌های نهادین و اساسی در بخش‌های اشتغال، مسکن، بهداشت و درمان و حمایت از جوانان و رفع محرومیت‌های اجتماعی، عوامل خطر را شناسایی نموده و در درمان آن کوشش نماید. در این مسیر می‌بایست با افزایش امنیت اقتصادی در جامعه و بهره‌مندی همگان از یک فعالیت اقتصادی سالم و توسعه‌ی اقتصادی همه‌جانبه، با بهبود کیفیت زندگی مردم و کار و کسب امن ایشان راهبردی

بدین‌وسیله زمینه ارتکاب بزه در جامعه که نتیجه منطقی این نوع رفتارهای غیراصولی است کنترل گردد. لذا بر این اساس سیاست‌های پیش‌گیری اجتماعی باید با موقعیت‌ها و بسترهای اقتصادی جامعه هم‌سو باشد زیرا در غیر این صورت و به دنبال شکست سیاست‌های پیش‌گیری از جرم برخی از افراد جامعه که به‌نوعی به خواسته‌های اجتماعی خود نرسیده‌اند برای بهره‌مندی مناسب‌تر از زندگی مسیری خلاف اصول و قوانین انتخاب می‌نمایند. از این‌رو است که برخی از مجرمین هنگام دستگیری در توضیح علل ارتکاب جرم اقتصادی بیان می‌دارند که برای انتقام از افراد مرفه جامعه دست به هنجارشکنی زده‌اند تا بدین‌وسیله حق خود را از ایشان بازستانند. (Miroslav, 2012:7) بدین ترتیب زمانی که فقر و بیکاری در جامعه گسترش می‌یابد به تبع آن ناهنجاری‌هایی چون طلاق، رفتارهای نامناسب والدین نسبت به فرزندان و همچنین پرخاشگری افراد نسبت به یکدیگر در سطح جامعه افزایش می‌یابد. از این جهت است که امروزه تأثیر معضلات اقتصادی بر افزایش خشونت و جرم بر همگان روشن و آشکار می‌باشد.

از منظر فرهنگی و آموزشی توجه به این مهم ضروری است که افزایش سطح آگاهی و فرهنگی مردم جامعه که توسط نهادهایی چون صدا و سیما جلوه می‌نماید (الله‌وردی و فرجی‌ها، ۱۳۹۳: ۶۱)، می‌تواند در پیش‌گیری از بزه و نیز کاهش آثار ناهنجاری‌های اجتماعی نقش به‌سزایی داشته باشد. در این میان اطلاع‌رسانی و آموزش از طریق رسانه‌ها در معنای جامع آن و ساخت برنامه‌های جذاب و باکیفیت، عاملی مثبت در جهت مهار انحراف در جامعه تلقی می‌گردد. همچنان که با اعمال سیاست‌گذاری نامناسب در امور فرهنگی کشور، فضای مجازی و رسانه‌ها با عملکرد ناصحیح خود بجای ایجاد بازدارندگی نسبت به مقوله بزه موجب تشویق افراد خصوصاً نوجوانان به ارتکاب جرم می‌گردند. از این جهت است که به نظر می‌رسد بزه‌کاری محصول فروپاشی ساختارهای اجتماعی و فرهنگی جامعه است. لذا برای جلوگیری از اضمحلال فرهنگی جامعه می‌بایست همواره ارتباطی عمیق و سازنده میان عناصر اصلی پیش‌گیری اجتماعی اعم از حاکمیت، اقتصاد و فرهنگ برقرار باشد و در

استان اعلام نمایند». اما هیچ‌گونه ضمانت اجرایی در این خصوص تعیین نشده است.

تداخل امور با قوه مجریه با توجه به اصل استقلال و تفکیک قوا از دیگر چالش‌های مسؤلیت دولت در پیش‌گیری از جرم است. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، در اصل ۵۷ به قوای سه‌گانه مقننه، مجریه و قضاییه صریحاً توجه شده و استقلال این قوا از یکدیگر مورد تأکید قرار گرفته است. در اصول بعدی به تفکیک وظایف و اختیارات هر یک از قوای سه‌گانه مورد توجه واقع شده و احصا گردیده است. لیکن از بررسی این اصول برمی‌آید نوعی تداخل بین قوای سه‌گانه از حیث استقلال و تفکیک وظایف وجود دارد. قوه قضاییه حتی حقوق کارکنان خود را می‌بایست از طریق قوه مجریه وصول کند و امکانات لازم را در جهت پیشبرد اهداف پیش‌گیری از جمله پیش‌گیری‌های اجتماعی و وضعی ندارد. بنابراین نقش قوه قضاییه در پیش‌گیری اجتماعی می‌تواند نقش مدیریتی باشد و نباید در اموری که مربوط به قومی مجریه است به‌جز در موارد استثنایی و لازم به‌صورت وسیع وارد شود. از آنجایی که قوه قضاییه بر اساس اصول ۱۵۶ مسؤلیت نظارت بر حسن اجرای قوانین به‌طور کلی دارد و نحوه این نظارت و راهکارهای عملی آن در سایر اصول از جمله اصول ۱۷۰، ۱۷۳ و ۱۷۴ و در قوانین عادی ذی‌ربط به تفصیل آمده است، قوه قضاییه و قضات محاکم از اجرای مصوبات و آیین‌نامه‌های دولتی که برخلاف قوانین باشد باید جلوگیری کنند و با توجه به صراحت اصل ۱۷۰، این امر تکلیف همه قضات می‌باشد و دیوان عدالت اداری حق ابطال چنین آیین‌نامه‌ها را دارد.

۴-۲- راهکارها

برای عملیاتی شدن اصول پیش‌گیری می‌بایست جامعه همپای اجرای این تدابیر باشد. از منظر اقتصادی لازم است همراه با توزیع عادلانه و منطقی سوبسیدها میان افراد نیازمند جامعه و تقویت خدمات رفاه اجتماعی، سیستم اخذ مالیات واقعی از طبقات مرفه جامعه نظم و نسق یافته و با ایجاد فرصت‌های اشتغال برای جوانان از مهاجرت آنان از روستاها و شهرهای کوچک به کلان‌شهرها ممانعت به عمل آید و

این میان هرچه این ارتباط قوی‌تر باشد با اعمال سیاست‌های کلان پیش‌گیری شاهد کنترل و مهار آسیب‌های اجتماعی خواهیم بود.

نتیجه‌گیری

نتایج نشان داد از منظر فقهی دولت متعهد به پیش‌گیری کیفری از جرم علیه شهروندان از طریق اجرای قوانین و احکام اسلامی و پیش‌گیری غیرکیفری بر مبنای امر به معروف و نهی و قاعده لاضرر و لاضرار است. از منظر فقهی همواره رویکرد اولیه مشخصی در برابر نقض حریم مقررات و دستورات الهی وجود داشته است. این نظر ابتدا به صورت تذکر و توجه به انسان‌ها و نیز در قالب امر به معروف و نهی از منکر جلوه می‌نماید. قاعده امر به معروف و نهی از منکر که تأثیر آن در سالم‌سازی فرد و جامعه و پیشگیری از جرم از واضحات امور است و از اعظم فرایض دینی و واجب کفایی شمرده شده است. در این راستا می‌بایست با بررسی دقیق و همه‌جانبه مسائل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی رویکرد موردنظر برای مهار پدیده جرم را به دست آورد و در این فرایند آنچه مسیر رسیدن به یک نتیجه مطلوب را هموار می‌نماید توجه مردم جامعه به باورهای دینی و از جمله معاد نظام سزادهی و قضاء الهی است. علاوه بر این، قاعده لاضرر و لاضرار از دیگر مبانی پیشگیری از جرم است. غرض از ضرر در فقه اسلام، هر چیزی است که به حال انسان ضرر دارد اعم از ضرر مادی یا معنوی. قاعده نفی ضرر بر همه قواعد دیگر فقهی حکومت دارد؛ لذا هر جا عملی باید صورت بگیرد اگر مضر به جان و حال انسان باشد، چشم‌پوشی از آن عمل بر اساس این قاعده واجب می‌گردد.

همچنین مطابق قانون اساسی دولت موظف شده است تا همه‌ی توان و امکانات خود را در جهت دستیابی به اهداف عالی‌ای که در این اصل مهم آمده است بکار بندد. دولت موظف است اقدام به تهیه و تدوین برنامه‌های کلان اجتماعی منطبق بر وضعیت بومی مناطق مختلف کشور و نیز توجه به مهماتی چون توسعه آموزش و پرورش، اصلاح ساختار جامعه با زدودن چهره فقر از آن و ایجاد فرصت‌های شغلی برای آحاد جامعه به جهت پیش‌گیری از ناهنجاری‌های اجتماعی

نماید. در جهت پیشبرد این اهداف عالی می‌بایست از جهت علمی مجهز بود تا در مسیر اجرایی، پشتوانه علمی تضمین‌کننده غنای محتوایی تصمیمات اتخاذی باشد. در مسیر پیش‌گیری از جرایم علیه شهروندان ضروری است که علی‌رغم پرداختن قوانین کشور به مقوله پیش‌گیری از جرم و آسیب‌های اجتماعی آن، به مشارکت و دخالت تمامی نهادهای کشور و استفاده صحیح از ابزارها و تأسیسات جدید حقوقی و قانونی در راستای نیل به پیش‌گیری توجه شود. لذا باید گفت که به یک همگرایی و همکاری و مشارکت جامع بر مبنای رویکرد تعاملی با سایر نهادهای کشور نیاز است.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به امانت‌داری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردید.

تعارض منافع: تدوین این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

سهم نویسندگان: نگارش مقاله مشترکاً توسط نویسندگان صورت گرفته است.

تشکر و قدردانی: از تمام کسانی که ما را در تهیه این مقاله یاری رسانده‌اند، سپاسگزاریم.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی سامان یافته است.

منابع و مأخذ

الف. منابع فارسی

- ابراهیمی، شهرام (۱۳۹۱). *جرم‌شناسی پیش‌گیری*. جلد اول، چاپ دوم، تهران: انتشارات میزان.

- اردبیلی، محمدعلی؛ حسینی، سیدمحمد؛ فرجی‌ها، محمد و محمدی، قاسم (۱۳۸۳). «پیش‌گیری از جرم در حقوق کنونی ایران». *نشریه حقوقی دادگستری*، ۴۸: ۱۱۴-۱۰۲.

- الله‌وردی، فرهاد و فرجی‌ها، محمد (۱۳۹۳). «جرم‌انگاری رسانه‌ای». *فصلنامه جهانی رسانه*، ۱۷: ۲۳-۵۱.

- الله‌وردی، فرهاد و فرجی‌ها، محمد (۱۳۹۵). «برساخت اجتماعی اراذل‌واوباش: چالش‌های مفهومی طرح مبارزه با اراذل‌واوباش از منظر جرم‌شناسی فرهنگی». پژوهشنامه حقوق کیفری، ۹(۱): ۵۵-۸۰.
- امامی، سید حسین (۱۳۸۷). حقوق شهروندی از دیدگاه تالکوت پارسونز. تهران: انتشارات همشهری.
- انصاری، مرتضی (۱۴۱۴). رسالت فقهیه. قم: مؤسسه الکلام.
- آقابالا زاده، لایلا (۱۳۹۷). «انواع پیش‌گیری از جرایم از منظر قرآن کریم». مجله مطالعات راهبردی علوم انسانی و اسلامی، ۱۳: ۳۰۳-۳۲۶.
- بجنوردی، محمدحسن (۱۳۷۷). القواعد الفقهیه. جلد اول، قم: نشر الهادی.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۶). تفسیر تسنیم. چاپ اول، تهران: نشر اسراء.
- خسروشاهی، قدرت الله (۱۳۸۲). «پیش‌گیری از جرم در آموزه‌های قرآنی». فصلنامه بصیرت (دانشگاه آزاد اسلامی نراق)، ۱۰(۳۰-۳۱): ۵۵-۷۳.
- دشتی، محمد (۱۳۹۰). ترجمه نهج‌البلاغه. چاپ اول، تهران: انتشارات پیام عدالت.
- رجیبی پور، محمود (۱۳۸۸). «درآمدی بر پیش‌گیری مقتدرانه پلیس از جرم». مجله دانش انتظامی، ۲۱: ۱۴-۳۰.
- رحیمی نژاد، اسماعیل (۱۳۸۷). کرامت انسانی در حقوق کیفری. چاپ سوم، تهران: بنیاد حقوقی میزان.
- رشاد، علی‌اکبر (۱۳۸۰). دانشنامه امام علی (ع). جلد پنجم، چاپ اول، قم: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- رشادتی، جعفر (۱۳۹۰). پیش‌گیری از جرم در قرآن کریم. چاپ اول، تهران: انتشارات پیام راشد.
- طباطبایی، محمد حسین (۱۳۸۵). تفسیر المیزان. جلد چهاردهم، تهران: مرکز نشر فرهنگی رجاء، بنیاد علمی فکری علامه طباطبایی.
- عظیم زاده اردبیلی، فائزه و ملک‌زاده، فهیمه (۱۳۹۳). «پیش‌گیری از جرایم درآموزه‌های قرآن». دو فصلنامه علمی مطالعات فهم قرآن، ۲(۲): ۱۰۷-۱۲۶.
- غلامی، حسین (۱۳۸۲). تکرار جرم. چاپ اول، تهران: نشر میزان.
- فیض الاسلام، سید علی‌نقی (۱۳۶۵). ترجمه و شرح نهج‌البلاغه. چاپ اول، تهران: نشر سپهر.
- کاری یو، روبرت (۱۳۸۱). «مداخله روان‌شناختی - اجتماعی زودرس در پیش‌گیری از رفتارهای مجرمانه». مجله تحقیقات حقوقی، ۳۶-۳۵: ۲۶۷-۳۰۴.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳). بحار الأنوار. جلد هفتاد و دوم، بیروت: دار احیاء التراث العربیه.
- مروارید، علی‌اصغر (۱۴۱۰). سلسله الینابیع الفقهیه. جلد نهم، بیروت: بی‌نا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۶). ولاءها و ولایت‌ها. چاپ یازدهم، تهران: انتشارات صدرا.
- موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۸۱). المکاسب المحرّمه. جلد اول، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۹۰). تحریر الوسیله. جلد اول، النجف الأشرف: مطبعة الآداب.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۷۸). «پیش‌گیری از تحقیقات محلی، مجله پلیس و بزه‌کاری حقوقی». دانشکده حقوق دانشگاه شهیدبهشتی، ۲۵-۲۶: ۱۲۹-۱۵۰.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۹۴). «نشست علمی حق بر مجازات نشدن مبانی و آثار آن». تهران: دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی.

- ولیدی، محمد صالح (۱۳۷۸). حقوق جزای عمومی. چاپ
چهارم، تهران: انتشارات سمت.

ب. منابع انگلیسی

- Miroslav, S (2012). *Research into economic
crime.* Available in:
www.ok.cz/iksp/en/docs/s308.pdf, p:7-37.